



ضرابخانه ساوجبلاغ مَکری: شواهد تاریخی و سکه‌شناسی

I اسماعیل سلیمی

II جمیله صلح‌جو

III حسن کریمیان

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۹۷ - ۱۱۸
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.4.13.97

چکیده

«مهاباد» یا سابقاً «ساوجبلاغ مَکری» یکی از مهم‌ترین شهرهای شمال غرب ایران در حوضه جنوبی دریاچه ارومیه است که توسط بوداق سلطان از فرمانروایان مَکری همزمان با حکومت شاه سلیمان صفوی پایه‌گذاری شد و به مدت چهار سده به مرکزیت ولایت مَکریان تبدیل گردید. در دهه‌های گذشته تعدادی سکه مسی در شهر مهاباد توسط مردم محلی یافته شده‌اند که مطابق کتیبه روی آن‌ها ضرب همین شهر بوده‌اند. در نوشتار حاضر تلاش بر آن است تا دلایل و زمینه‌های ضرب سکه در این شهر مورد بررسی قرار گیرد و تعلق آن‌ها را به ضرابخانه ساوجبلاغ نشان دهیم. پرسش‌های پژوهش عبارتند از: ۱- دلایل سیاسی و اجتماعی ضرب سکه در ساوجبلاغ مَکری چه بوده است؟ ۲- فلوس‌های ضرب شده در ساوجبلاغ مَکری به کدام ضرابخانه و کدام حاکمان مَکری تعلق دارند؟ فرض بر آن است که واقع شدن ساوجبلاغ در مسیر ارتباطی بغداد و تبریز، توسعه بازار و مراکز تجاری آن را در پی داشته و ایجاد دارالضرب در آنجا را ضروری نموده است. به علاوه کشف و شناسایی سکه‌های مسی در شهر مهاباد و مناطق اطراف، نشان دهنده ضرب آن‌ها در دارالضرب ساوجبلاغ است. پژوهش پیش‌رو به روش کتابخانه‌ای و میدانی و به شیوه توصیفی و تحلیلی به سرانجام رسیده، و نتیجه این پژوهش مؤید آن است که در مقایسه اشکال ضرب شده بر این مسکوکات و سایر نمونه‌ها می‌توان آن‌ها را به دوره حاکمیت فرمانروایان مَکری تا اواسط دوره قاجار و زمامداری شیخ‌علی‌خان، بوداق‌خان و عبدالله‌خان نسبت داد. هم‌چنین وجود ضرابخانه در این شهر از اهمیت سیاسی، نظامی و اقتصادی آن در سده‌های گذشته حکایت دارد.

کلیدواژگان: فلوس، دارالضرب ساوجبلاغ مَکری، مَکریان، مهاباد.

I. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
salimi.esmaeil@yahoo.com

II. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

III. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

در شهر مهاباد در دهه‌های گذشته سکه‌های مسی با نقوش مختلف حیوانی با عبارت «ضرب فی ساوجبلاغ» همراه با «تاریخ ضرب سکه» به دست آمده‌اند (رامیدی نیا، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۶؛ رامیدی نیا، ۱۳۹۴: ۵۴). این که این سکه‌ها برای اولین بار توسط کدام حاکم در ساوجبلاغ ضرب شده‌اند و ضرب آن‌ها تا زمان کدام حاکم دیگر ادامه یافته، به دلایل مختلفی از جمله: محدود بودن تاریخ ضرب، نبود نام حاکم بر روی سکه‌ها، پراکندگی آن‌ها در دست مردم و موزه‌های خصوصی، داخلی و حتی خارج از ایران، نامشخص است. به روزگار حکمرانی صفویان علاوه بر سکه‌های اشرفی، بیستی، سکه‌های برنزی یا غازی نیز ضرب می‌گردید، که به آن‌ها فلوس می‌گفتند (سرفراز و آوزرمانی، ۱۳۸۸: ۲۴۴). نقش مایه‌های مختلف حیوانی از جمله: نقش بزکوهی، ماهی و مار بر فلوس‌های دوره صفوی به بعد معمول شد؛ بدین صورت که در کاشان نقش خروس، در اصفهان شیر نر و در گیلان ماهی بر فلوس‌ها نقش می‌بست (پاشایی و جباری، ۱۳۹۱: ۸۲-۷۹). از بارزترین مصادیق شیوه حکومت قاجاریه می‌توان به اعطا کردن اختیارات بیشتر به حکام و ولایات نواحی مختلف کشور به منظور، ضرب سکه‌های مسی اشاره کرد. در این دوره در اکثر ولایات ایران سکه‌های مسی به وسیله مقامات محلی ضرب می‌شدند و فقط برای استفاده در یک منطقه یا محدوده خاص کاربرد داشتند. طرح این نوع سکه‌ها ترکیبی از متن همراه با انواع زیادی از طرح‌های پیکره‌ای و زینتی بود که متن آن‌ها نشان دهنده محل ضرب آن‌ها بود، درحالی‌که طرح سکه‌های طلا و نقره کتیبه‌ای بودند و ضرب آن‌ها در صلاحیت دولت مرکزی بود (Soucek, 2001: 51-87). یکی از این ولایات، ولایت مکریان در شمال غرب ایران و حوضه جنوب دریاچه ارومیه به مرکزیت «دریاس» در ابتدا و بعدها «ساوجبلاغ» بود که از اواخر حکومت آق‌قویونلوها تا اواخر قاجاریه در معادلات سیاسی و نظامی بین دو امپراتوری ایران و عثمانی نقش به‌سزایی داشت (سلیمی، ۱۳۹۶: ۳۳۱).

در شهر ساوجبلاغ (مهاباد کنونی) توسط مردم محلی تعدادی سکه مسی یافت شده که مطابق کتیبه روی آن‌ها، ضرب همین شهر بوده‌اند. ضرورت انجام این پژوهش بدین دلیل است که تاکنون مطالعه‌ای منسجم و جامع در ارتباط با فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ مکری صورت نگرفته و مطالعه آن‌ها می‌تواند درک وسیع‌تری از جایگاه سیاسی و اقتصادی ساوجبلاغ مکریان را در قرون متأخر اسلامی نشان دهد.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: ۱- دلایل سیاسی و اجتماعی ضرب سکه در ساوجبلاغ مکری چه بوده است؟ ۲- فلوس‌های ضرب شده در ساوجبلاغ مکری به کدام ضرابخانه و کدام حاکمان مکری تعلق دارند؟ فرض بر آن است که واقع شدن ساوجبلاغ در مسیر ارتباطی بغداد و تبریز، توسعه بازار و مراکز تجاری آن‌را در پی داشته و ایجاد دارالضرب در آنجا را ضروری نموده است. به علاوه کشف و شناسایی سکه‌های مسی در شهر مهاباد و مناطق اطراف، نشان دهنده ضرب آن‌ها در دارالضرب ساوجبلاغ است.

روش پژوهش: گردآوری اطلاعات این مقاله براساس روش کتابخانه‌ای و مشاهده مستقیم سکه‌ها به انجام رسیده است. در مطالعات کتابخانه‌ای انواع متون تاریخی، سیاسی، سفرنامه‌ها، کتب خاطرات و اسناد تاریخی مطالعه شدند. نگارندگان در مشاهده مستقیم نیز به مطالعه مستندنگاری، طراحی فلوس‌ها و مقایسه آن‌ها با نقش مایه آثار فرهنگی منطقه مورد مطالعه و نمونه‌های مشابه در دوره‌های صفویه و قاجاریه پرداختند.

اهداف پژوهش: هدف نوشتار حاضر بر این است تا با اتکاء بر شواهد سکه‌شناسی، به تبیین جایگاه سیاسی و اقتصادی ساوجبلاغ و ولایت مکریان در شمال غرب ایران و جنوب دریاچه ارومیه پرداخته شود.

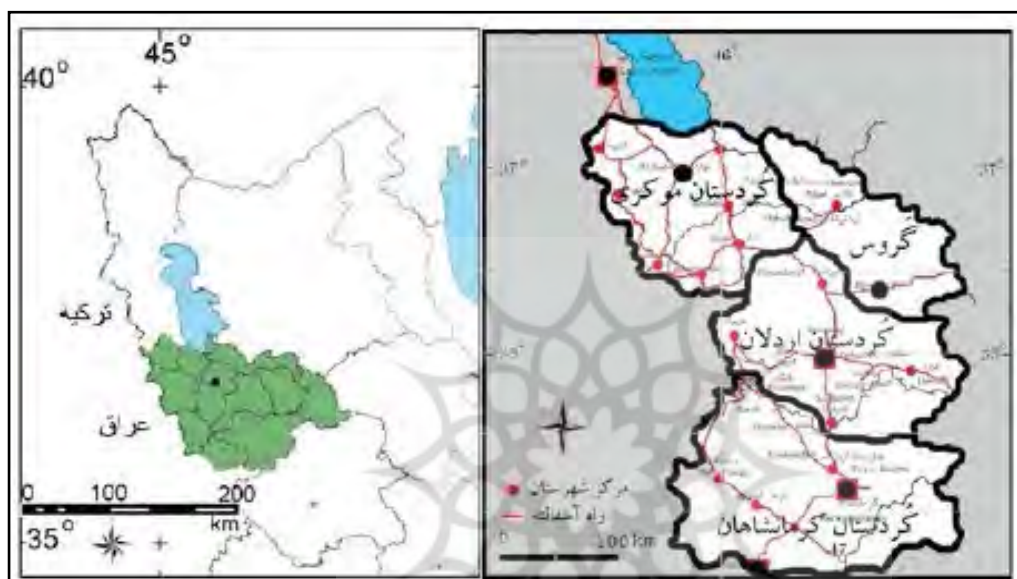
پیشینه پژوهشی

تاکنون درخصوص مسکوکات ساوجبلاغ مَکری (مهاباد) پژوهشی علمی و جامعی صورت نگرفته است. «ئوسکارمان» ازجمله پژوهشگرانی است که به این موضوع پرداخته و نوشته است: «... بوداق سلطان امیری گرد ... اقدام به ضرب سکه کرده است» (ئوسکارمان، ۱۹۷۵: ۱۴۷). «پدرام» در کتاب خود تحت عنوان تمدن مهاباد به سکه‌های ضرب ساوجبلاغ در حد چند تصویر اکتفا کرده و هیچ‌گونه اطلاعی در مورد ویژگی آن‌ها ارائه نداده است (پدرام، ۱۳۷۳: ۳۳، ۱۱۴-۱۱۳). «ماموستا هه‌ژار» در ترجمه‌گردی کتاب شرفنامه بدلیسی از یافتن سکه‌ای مسی در یکی از چشمه-طاق‌های پل سور که هنوز پابرجا بود، صحبت کرده که بر روی آن نوشته «ضرب فی ساوجبلاغ» و تاریخ «۱۱۱۴ ه.ق.» وجود داشت (بدلیسی، ۲۰۰۹: ۳۷۵). «افخمی» نوشته که: «... بوداق سلطان در زمان خود اقدام به ضرب سکه‌های از جنس سرب با نوشته «ضرب فی ساوجبلاغ بتاریخ ۱۱۴۴ ه.ق.» کرده بود» (افخمی، ۱۳۷۳: ۱۰۰-۹۸). «ئه‌حمه‌دیان» نیز نوشته است که: «... بر روی سکه‌های طلا بوداق سلطان عبارت ضرب فی ساوجبلاغ ۱۱۴۴ ه.ق. به چشم می‌خورد» (ئه‌حمه‌دیان، ۱۳۷۶: ۴۱). «یوسفی» و «خلیلی» معتقدند که: «... سکه‌هایی که گفته می‌شود در زمان بوداق سلطان ضرب شده‌اند، به نوعی نشان‌دهنده محلی بودن آن‌هاست و در دوره‌های بعد از بوداق سلطان ضرب گردیده‌اند» (یوسفی و خلیلی، ۱۳۹۵: ۲۲۲). «روژیانی» در کتاب فرمانروایی مَکریان در گُردستان از دوران باستان تا عصر قاجار در مقابل اشاره ماموستا هه‌ژار به ضرب سکه در سال ۱۱۱۴ ه.ق. در ساوجبلاغ توسط بوداق سلطان با قرار دادن علامت تعجب (!) ابراز شگفتی کرده است (روژیانی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). «حکیم‌زاده» از ضرب سکه‌های مسی توسط موسی سلطان فرزند بوداق سلطان صحبت کرده است (حکیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۲). «رامیدی‌نیا» از این سکه‌ها به عنوان «فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ» یاد کرده و معتقد است که کهن‌ترین سکه موجود دارای قدمت ۱۱۴۲ ه.ق. است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که سکه‌های مسی یادشده، سکه‌های ضرب بوداق سلطان و روزگار وی نیستند؛ زیرا کهن‌ترین سکه ۳۱ سال بعد از مرگ بوداق سلطان ضرب شده و تا سال ۱۱۵۱ ه.ق. ادامه داشته است و به نظر می‌رسد مربوط به عهد شیخ‌علی خان نوّه بوداق سلطان باشند (رامیدی‌نیا، ۱۳۸۴: ۵۷؛ رامیدی‌نیا، ۱۳۹۴: ۵۴). دقتی در ارتباط با تاریخچه ضرب سکه در آذربایجان غربی نوشته است: «در فهرست سکه‌های موزه بریتانیا یک سکه مسی ضرب ساوجبلاغ دیده می‌شود که محمود پدرام آن را در کتاب تمدن مهاباد آورده است، اما این که این سکه متعلق به ساوجبلاغ مَکری یا ساوجبلاغ کرج باشد، معلوم نیست. وی در ادامه می‌نویسد با توجه به این که نام ساوجبلاغ آذربایجان از قرن ۱۰ ه.ق. به بعد به میان آمده و در دوره صفویه شهریت و مرکزیت پیدا کرده و در دوره یادشده مورد تاخت و تاز قوای عثمانی بوده و حتی چند صباحی نیز به وسیله قوای دشمن در اشغال بوده، بعید به نظر می‌رسد که این شهر دارای ضربخانه بوده و به ضرب سکه پرداخته باشد. اما شهر ساوجبلاغ کرج در این دوره دارای اهمیت بوده و بنا به نوشته «اسکندریبگ ترکمان» در تاریخ عالم‌آرای عباسی این شهر مرکز تجمع نیروهای قزلباش بوده است. احتمالاً سکه‌های موجود به نام «ساوجبلاغ آذربایجان» نبوده، بلکه در شهر ساوجبلاغ کرج ضرب شده‌اند» (دقیقی، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۷۸). «سلیمی» و «کریمیان» نیز معتقدند که به احتمال زیاد فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ در دوره بازماندگان صفویه تا اواسط دوره قاجاریه به وسیله حاکمان ولایت مَکریان از جمله: شیخ علی خان، بوداق خان و عبدالله خان ضرب گردیده‌اند (سلیمی، ۱۳۹۶: ۱۲۹؛ کریمیان و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

جغرافیای تاریخی ساوجبلاغ مَکری

به طور کلی، گُردستان ایران شامل چهار منطقه گُردستان «مَکریان» به مرکزیت ساوجبلاغ (مهاباد

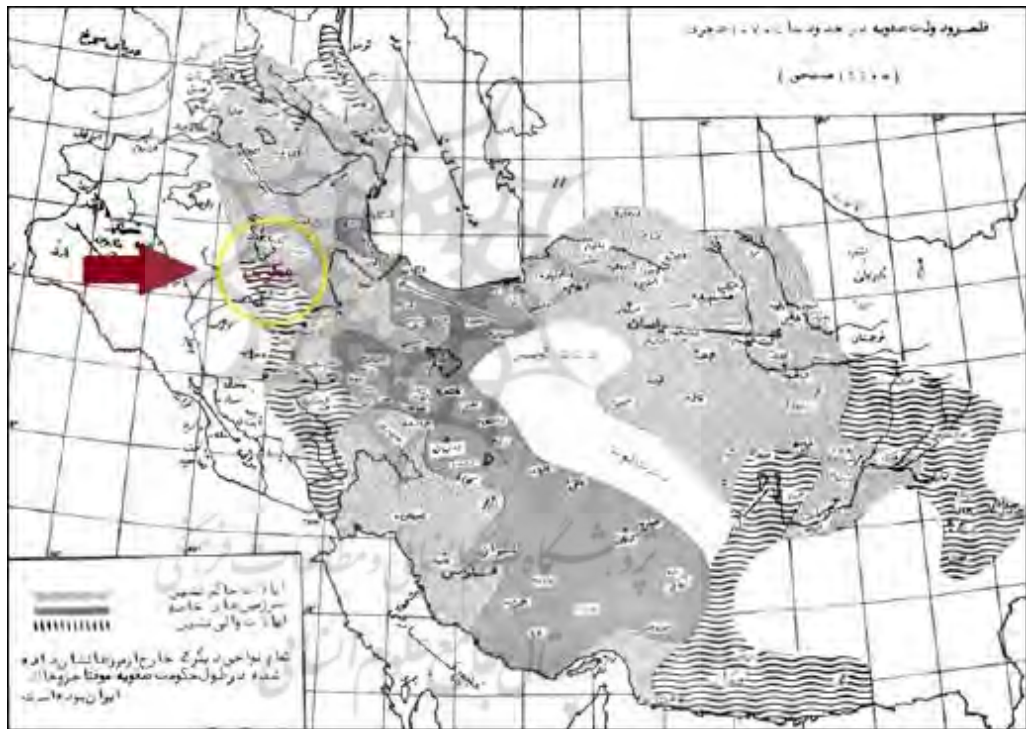
کنونی)، «اردلان» (سندج)، «گروس» (بیجار) و «کرمانشاهان» (کرمانشاه) است (دمورگان، ۱۳۳۹: ۲، ۴۹ و ۶۳). اصطلاح «مُکری» یا «مُکریان» از آغاز سده هفتم هجری قمری توسط مورخان و نویسندگان قرون متأخر اسلامی و سیاحان و جهانگردان خارجی به مناطق جنوب دریاچه ارومیه اطلاق شده است (بدلیسی، ۱۸۶۰؛ روحانی (شیوا)، ۱۳۸۲؛ دمورگان، ۱۳۳۹؛ نیکیتین، ۱۳۶۶؛ سابق) شامل جنوب و جنوب غرب استان آذربایجان غربی و بخش محدودی از استان کردستان شامل شهرهای: مهاباد، بوکان، سردشت، اشنویه، پیرانشهر، نقده، میاندوآب، شاهین دژ، تکاب و قسمت کوچکی از سقز بود (نقشه ۱)، (محمودی، ۱۳۷۵: ۱۸).



نقشه ۱. تقسیم بندی کردستان ایران از دیدگاه جغرافی دانان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی و موقعیت ولایت مُکریان در جنوب دریاچه ارومیه به مرکزیت مهاباد (نیکیتین، ۱۳۶۶؛ خضری، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

ساوجبلاغ مُکری (مهاباد فعلی) از مهم ترین شهرهای شمال غرب ایران در حوضه جنوبی دریاچه ارومیه است که از اواخر عصر صفویه تا دوره پهلوی اول در معادلات سیاسی بین دو امپراتوری ایران و عثمانی نقش مهمی داشته است. کتاب فتوح سوادالعراق که در مورد نخستین تاریخ فتوحات اسلامی در کردستان، در قرن دوم هجری، به نگارش درآمده، به سیر فتوحات و جنگ ها، اسامی مکان ها و پادشاهان محلی می پردازد. آن گونه که در این کتاب آمده، «سپاه اسلام بعد از فتح شمال عراق از رودخانه زاب کوچک گذشته و رباط و شهباری را تسخیر و سپس «ساوجبلاغ» را متصرف می شود (واقدی، ۱۳۷۴: ۱۹۵-۱۹۳)؛ این درحالی ست که تا دوره افشاریه در هیچ منبع مکتوب دولتی به نام ساوجبلاغ اشاره نشده و وجود آن در قرن دوم ه.ق. جای بحث دارد. آنچه در کتاب فتوح سوادالعراق جالب توجه است، اشاره به نام «ساوجبلاغ» و ملکه ای به نام «ارجانوسه» حاکم ساوجبلاغ و نیز مکران و دریایی شور است که می تواند با مُکریان و دریاچه ارومیه فعلی انطباق داشته باشد. مؤمنی معتقد است: «کتاب فتوح سوادالعراق بعد از سقوط صفویان در ایران تألیف شده و مؤلف آن نیز به احتمال قوی گُرد و ساکن گُردستان بوده؛ زیرا در ذکر مکان های جغرافیایی اطلاعات دقیقی داشته» (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۵۶). به نام «ساوجبلاغ» برای نخستین بار در منابع مکتوب بومی عصر صفویه از جمله در اسنادی با تاریخ ۱۰۸۵، ۱۰۸۶ و ۱۰۸۹ ه.ق. به صورت «دارالبروده ساوج بلاغ گُردستان» و «ساوج بلاغ گُردستان» برخورد می کنیم (غزالی، ۱۳۸۶: ۹۷۳؛

عبدلی، ۱۳۹۴: ۱۱۳-۱۰۳). علاوه بر منابع مکتوب و دست نوشته‌هایی که از منطقه مه‌باد به دست آمده، داده‌های باستان‌شناسی نیز بر فعالیت‌های عمرانی در مه‌باد دوران صفوی حکایت دارند. به عنوان نمونه، «مسجد سور» را می‌توان نام برد که در تاریخ ۱۰۸۹ ه.ق. بنا شده (کریمیان و سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۵۵)؛ همچنین است «آرامگاه بوداق سلطان» (با تاریخ فوت بوداق سلطان به سال ۱۱۱۱ ه.ق.)، «مسجد حاج احمد لشکری» (با تاریخ ۱۱۱۵ ه.ق.)، (یوسفی و خلیلی، ۱۳۹۵: ۲۳۱)، ظاهر شدن ولایت مَکری روی نقشه ایران در اواخر عصر صفویه (نقشه ۲)، (زهربرن، ۱۳۴۹: ۲۶۴)، اسنادی با تاریخ ۱۰۸۹ ه.ق. (غزالی، ۱۳۸۶: ۹۷۳) و نیز اشاره منابع عثمانی به این منطقه در زمان شاه سلطان حسین (لاکه‌هارت، ۱۳۴۴: ۲۵۶)، همگی مؤید رونق این شهر در دوره صفویه هستند. منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناسی گواهی می‌دهند که در اواخر دوره صفویه، در زمان شاه سلیمان، بوداق سلطان ساوجبلاغ را به عنوان مرکز کردستان مَکری انتخاب، و عمران و آبادانی شهر مزبور را با احداث بناهای شاخصی، همچون: مسجد، کتاب‌خانه، پل، مدرسه، بندآب، کاروانسرا، حمام و... شروع کرد (باباطاهری، ۱۳۵۱: ۷-۵).



نقشه ۲. نقشه اواخر دوره صفوی و اشاره به مَکریان به عنوان بخشی از والی نشین کردستان (زهربرن، ۱۳۴۹: ۲۶۴).

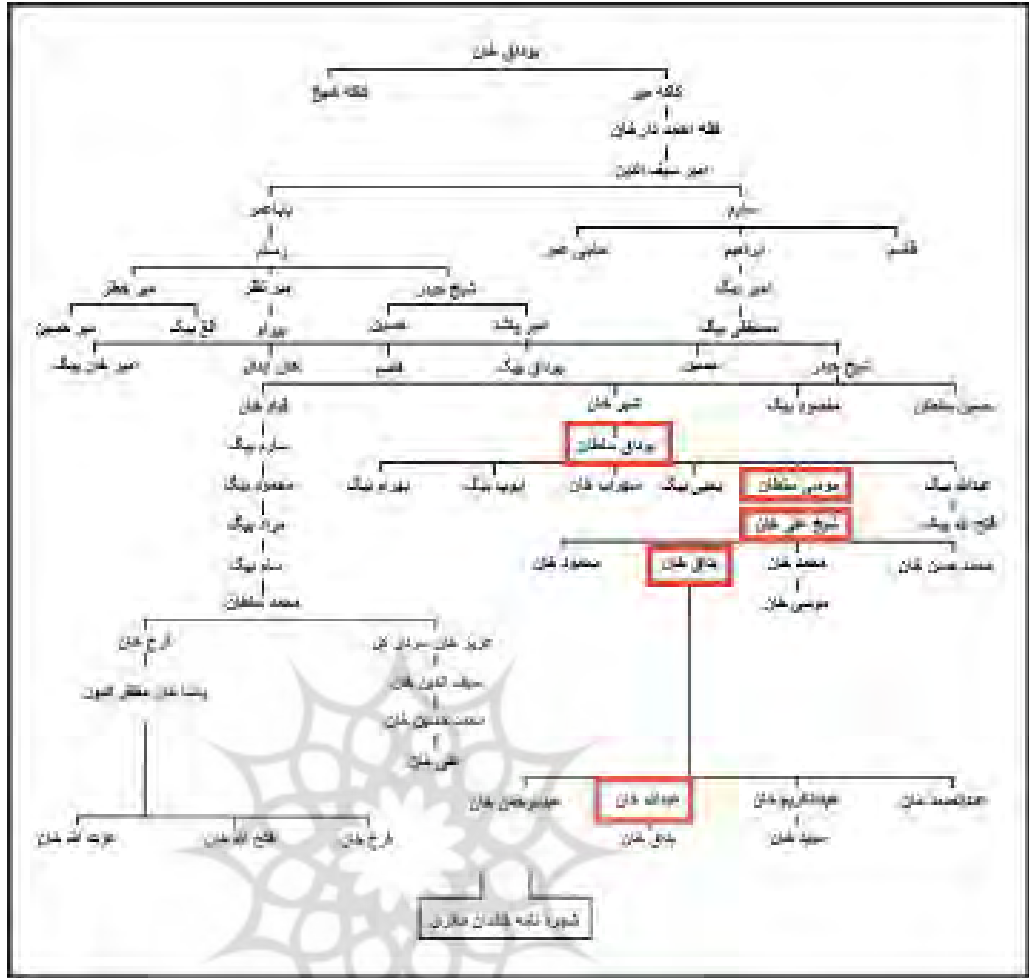
منابع دوره افشاریه به کرات از «ساوجبلاغ» به عنوان مرکز «مَکریان» نام می‌برد و این نشان می‌دهد که ساوجبلاغ به شهری مهم و تأثیرگذار در این دوره تبدیل شده است. در جلد اول عالم‌آرای نادری از ساوجبلاغ به نام «سواق بلاغ» یاد شده و نوشته شده که علینقی خان مَکری (شیخ علیخان) که در زمان سلطان احمد صفوی (۱۱۴۱-۱۱۳۸ ه.ق.) حکومت سوق بلاغ مَکری را داشته، مجدداً حکومت آن از طرف نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ ه.ق.) به وی تفویض گشته است (تصویر ۱)، (مروی وزیرمرو، ۱۳۶۴: ۱۴۲-۱۴۱) و همچنین در جلد سوم عالم‌آرای نادری نیروهای نظامی «سوق بلاغ» به عنوان بخشی از ارتش افشاریه در حمله به خاک عثمانی حضور داشته‌اند (همان: ۸۸۸). نادرشاه در سال ۱۱۴۹ ه.ق. «نواب نصرالله میرزا» و «ابراهیم خان ظهیرالدوله» را

مأمور دفع حمله «طوایف بلباس» کرد، در نتیجه «محمد عیسی خان بیگلربیگی افشار» همراه با «نواب نصرالله میرزا» و «ابراهیم خان ظهیرالدوله» از سمت «ساجبلاغ مکرری» به منطقه لاهیجان محل سکونت طوایف بلباس رفتند (ادیب الشعرا، ۱۳۴۵: ۸۳)؛ به علاوه نادرشاه در سال ۱۱۵۸ ه.ق. از موصل همراه با سپاه خود با عبور از «ساجبلاغ» به سمت سلدوز و ارومیه رهسپار شد (همان: ۹۰). هم‌چنین نادرشاه افشار در شعبان ۱۱۵۹ ه.ق. در چمن‌گردان ساجبلاغ با سفیر عثمانی پیمان صلحی به امضا رساند (ریاحی، ۱۳۷۲: ۱۵۰). به طور کلی تمام موارد ایرادشده، اهمیت ساجبلاغ را در عصر افشاریه نشان می‌دهند.

در منابع مکتوب دوره «افشاریه» نام «ساجبلاغ» به عنوان مرکز «ولایت مکرری» ذکر گردیده است (مروی وزیرمرو، ۱۳۶۴) و از این تاریخ به بعد، نام ساجبلاغ در میان متون دوره‌های زندیه، قاجاریه و پهلوی که به «مهاباد» تغییر نام می‌دهد؛ حضور کاملاً محسوسی داشته و اطلاعات بالنسبه زیادی از این طریق حاصل می‌شود.

در دوره زندیه و در زمان «علیمردان خان» در سال ۱۱۹۸ ه.ق. علاوه بر حکومت ساجبلاغ، حکومت مراغه نیز به بوداق خان از نوادگان بوداق سلطان تفویض گردید (ادیب الشعرا، ۱۳۴۵: ۱۹۱). اوایل دوره قاجاریه را می‌توان عصر طلائی ساجبلاغ دانست. در این دوره «بوداق خان» و «عبدالله خان» بر مکرران حکومت می‌کردند (تصویر ۱). بوداق خان، بنا به نوشته تاریخ افشار، حکومت ساجبلاغ مکرری را داشته و در نهایت «بیگلربیگی افشار»، حاکم ارومیه، چشمان او را از حدقه بیرون کشید (همان: ۲۳۴، ۲۳۹ و ۲۴۱). بعد از بوداق خان، عبدالله خان مکرری، فرزند ایشان، زمامداری امارت مکرری را برعهده گرفت و به تاریخ ۱۲۶۲ ه.ق. وفات یافت و در آرامگاه بوداق سلطان به خاک سپرده شد (فتاحی قاضی، ۱۳۵۶: ۴۳۰-۴۰۸). عبدالله خان با کشتن «عباس آقا دهبکری» در سال ۱۲۵۶ ه.ق. زمینه از میان بردن حکام محلی را فراهم کرد (صمدی، ۱۳۷۳: ۵۷). با فوت عبدالله خان، حکومت مکرری مدتی تحت اداره حاکمان دولتی قرار گرفت، اما در نهایت به خانواده «عزیزخان» وزیر جنگ ایران در زمان ناصرالدین شاه قاجار واگذار شد (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۶۸-۳۷۵). بعد از عزیزخان، فرزند و نوه ایشان، از جمله «سیف‌الدین خان» (کرزن، ۱۳۴۷: ۷۰۴) و «محمد حسین خان»، که در جریان جنگ جهانی اول عثمانیان او را به دلیل جانب‌داری از روس‌ها در مراغه به دار آویختند (تصویر ۱)، (ضیایی، ۱۳۶۳: ۴۳-۴۲) و حکومت مکرری را برعهده گرفتند؛ به علاوه، روی دادن وقایعی چون قیام «شیخ عبیدالله شمزینی» (نادر میرزا، ۱۳۶۰: غوریانس، ۱۳۵۶)، جنگ جهانی اول (لیتن، ۱۳۶۸؛ نکیتین، ۱۳۲۹؛ ضیایی، ۱۳۶۳)، شورش سموکو شکاک (کوچرا، ۱۳۷۷؛ وان برونسن، ۱۳۸۱) سبب دست به قلم شدن مورخان و نویسندگان ایرانی و بومی و روی آوردن سیاحان و مستشرقان به این منطقه از ایران شد و هریک با نوشتن مطالبی در مورد مهاباد، از آن به عنوان مرکز گوردستان مکرری و مهم‌ترین شهر جنوب دریاچه ارومیه یاد کرده‌اند (نقشه ۳)، (دمورگان، ۱۳۳۹؛ نکیتین، ۱۳۶۶؛ Rawlinson, 1840; Bishop, 1891; Ker, 1822). ارتباط تجاری و فرهنگی مناسب با روسیه و احداث کنسولگری‌هایی از دولت‌های عثمانی، روسیه و آمریکا در آن (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۷) و هم‌چنین واقع شدن روی جاده بغداد-تبریز (فلاندن، ۱۳۲۶: ۴۴۴؛ مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۵؛ Rawlinson, 1840: 29) ساجبلاغ را به مهم‌ترین قطب سیاسی-نظامی و تجاری در منطقه بدل کرد.

ساجبلاغ مکرری یا در اصطلاح محلی «سابلاغ» در سال ۱۳۱۶ ه.ش. هم‌زمان با تعویض نام بسیاری از شهرهای ایران به «مهاباد» تغییر نام داد (نوحه‌خوان، ۱۳۹۱: ۱۱۸). در حال حاضر نیز مهاباد یکی از مهم‌ترین شهرهای گوردنشین جنوب استان آذربایجان غربی است که با مختصات جغرافیایی "۴۸°۴۲'۵۸" عرض شمالی و "۴۸°۳۸'۴۵" طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ و در ارتفاع ۱۳۲۵ متری از سطح دریا واقع شده؛ به بیان دیگر منطقه مورد مطالعه، از شمال



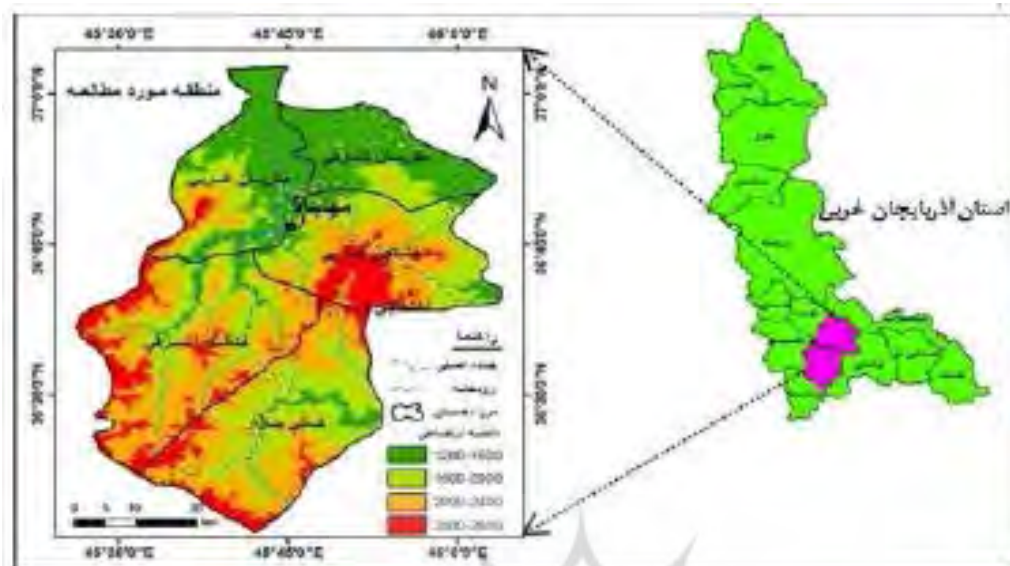
تصویر ۱. شجره‌نامه والیان مکرری و مهم‌ترین حاکمان آن از اواخر دوره صفویه تا اواسط قاجاریه (صمدی، ۱۳۷۳: ۲۰۶).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نقشه ۳. موقعیت ولایت مکرران در جنوب دریاچه ارومیه به مرکزیت ساوجبلاغ (Rawlinson, 1840: 65).

به شهرستان میاندوآب و دریاچه ارومیه، از جنوب به شهرستان‌های سردشت و بوکان، از غرب به شهرستان‌های پیرانشهر و نقده و از شرق به شهرستان بوکان محدود است (نقشه ۴).



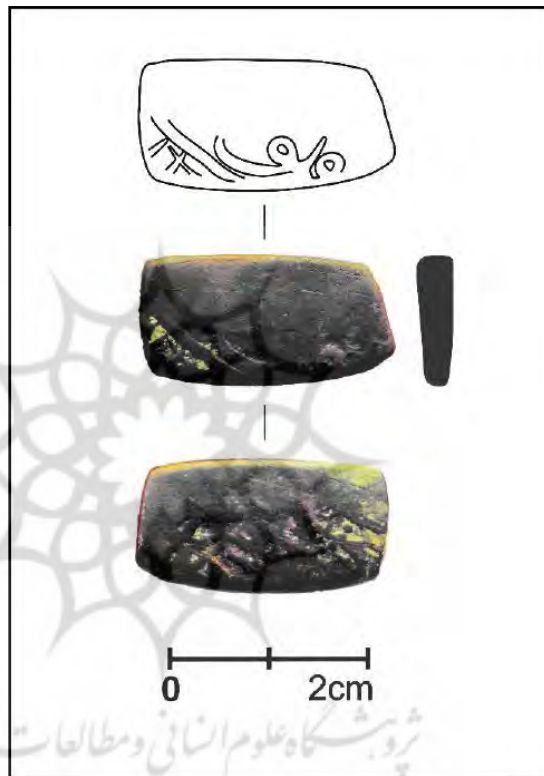
نقشه ۴. منطقه مورد مطالعه (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶).

فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ (مهاباد)

ضرب سکه‌های مسی از زمان صفویان تا زمان ناصرالدین‌شاه در جریان بوده است. در عصر صفویه، ۴۰ عدد سکه مسی برابر با یک عباسی نقره بود. این نوع سکه‌ها محلی و ضرب آن به دست حکام ایالات صورت می‌گرفت، و در خارج از محل ضرب ارزش کمتری داشتند و برای جلوگیری از سوءاستفاده حکام، سکه‌های مسی ضرب شده، نام حکام را بر خود نداشت. این سکه‌ها هر سال به دستور حاکم یا کارگزاران مالیاتی دولت جمع‌آوری می‌شد و در سال جدید دوباره ضرب می‌شدند؛ به طوری که سکه‌های کهنه جز در محل ضرب آن‌ها دیگر ارزشی نداشتند (اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۲۴۵؛ فلسفی، ۱۳۵۳: ۲۶۰-۲۵۹)، روی این سکه‌ها تاریخ سال و مکان ضرب همراه با انواع گسترده‌ای از طرح‌های پیکره‌ای و زینتی مانند: گاو، اسب، طاووس، انسان، شمشیر، شیر، شیر و خورشید، خورشید، فیل، شتر، ماهی، آهو، پرنده، موش، خرچنگ، خرگوش و... نقش بسته است (قائینی، ۱۳۷۵: ۸۶؛ Soucek, 2001: 87-51). برخی از نویسندگان معتقدند که نقوش روی سکه‌های مسی از جهت هنری و فولکلور قابل تأمل اند (قائینی، ۱۳۷۵: ۸۶). این نقوش از اعتقاد به بروج دوازده‌گانه منشأ گرفته است؛ زیرا با توجه به ارتباطی که بین نام بروج دوازده‌گانه و نقش روی سکه‌های مسی دیده می‌شد، هر ساله این سکه‌ها جمع‌آوری، و در سال بعد مجدداً با نقش جدیدی به ضرب می‌رسید (رحیم‌لو، ۱۳۷۱: ۴۴)؛ بنابراین در آغاز نقوش روی سکه‌های مسی اعتقادات و باورهای مردم را به تصویر می‌کشید، اما به تدریج در اواخر دوره صفویه جنبه تزئینی به خود گرفتند (قائینی، ۱۳۷۵: ۸۷).

در پژوهش حاضر، ۱۷ نمونه سکه ضرب ساوجبلاغ مورد مطالعه، بررسی و مستندنگاری قرار گرفتند که ۸ نمونه از آن‌ها به صورت مستقیم به وسیله نگارندگان مشاهده شدند و ۹ نمونه دیگر، تعدادی از آن‌ها نزد مردم مهاباد نگه‌داری، و تعدادی دیگری نیز که قبلاً در کتاب تمدن مهاباد (پدرام، ۱۳۷۳) و ماهنامه مهاباد (رامیدی‌نیا، ۱۳۸۴؛ رامیدی‌نیا، ۱۳۹۴)، تصاویر و ویژگی آن‌ها منتشر شده‌اند. به علاوه نگارندگان نیز در جریان بررسی قبرستان یهودیان در دوره قاجاریه

موفق به کشف و شناسایی یک نمونه فلوس شدند (تصویر ۲)؛ به طور کلی جنس این سکه‌ها از مس و به شکل مدور نامنظم هستند و از ابعاد و اندازه یکسانی تبعیت نمی‌کنند. به احتمال زیاد همان گونه‌که در بالا از نظر گذرانده شد، فلوس‌های ساوجبلاغ نیز چندین بار از نو ضرب شده‌اند، چراکه روی آن‌ها آثار پارگی و ایجاد مجدد نقش دیده می‌شود. در هر دو سمت سکه‌های مه‌آباد نقش، حک شده است. در روی سکه عبارت «ضرب فی ساوجبلاغ» و به صورت محدود «تاریخ ضرب آن» با خط نستعلیق نوشته شده است و در پشت آن‌ها نقوش مختلفی شامل: نقش خورشید، گیاه، ماهی، گربه و سگ‌سانان، شیر و خورشید، شیر، طاووس، پرنندگان آبی، عقاب، گل و... ضرب شده است (جدول ۱: ردیف ۱ تا ۱۷).



تصویر ۲. نمونه فلوس به دست آمده از قبرستان یهودیان مه‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۸).

تحلیل تاریخی

با اتکاء بر منابع نوشتاری زمامداری والیان مَکری از پایان سده ۸ ه.ق. (۱۵ م.) به رهبری «امیر سیف‌الدین» بر مناطق جنوبی دریاچه ارومیه و از جمله شهر دریاژ شروع (بدلیسی، ۱۸۶۰؛ نیکیتین، ۱۳۶۶: ۳۵۵؛ روزبیانی، ۱۳۸۱: ۵۴) و تا عهد «علیخان والی» از نوادگان «سردار عزیزخان مَکری» در مه‌آباد و بوکان ادامه داشته است (افخمی، ۱۳۶۴: ۲۳۱-۲۳۰).

افرادی مانند: ئوسکارمان، افخمی، نه‌حمه‌دیان و از جمله ماموستا‌ها هزار از ضرب سکه‌های سربی، مسی و طلائی توسط بوداق سلطان با تاریخ ضرب ۱۱۱۴ و ۱۱۴۴ ه.ق. صحبت کرده‌اند (ئوسکارمان، ۱۹۷۵: ۱۴۷؛ هه‌ژار، ۲۰۰۹: ۳۷۵؛ افخمی، ۱۳۷۳: ۹۸-۱۰۰؛ نه‌حمه‌دیان، ۱۳۷۶: ۴۱). باتوجه به منابع محلی، سنگ قبر بوداق سلطان و کتاب دستور شهریاران که اشاره به فوت بوداق سلطان در فاصله سال‌های (۱۱۰۱-۱۱۰۷ و ۱۱۱۱ ه.ق.) دارند (که پخوسره‌وی، ۱۳۷۵: ۴۵؛ باباطاهری، ۱۳۵۱: ۵، صفی‌زاده، ۱۳۷۸: ۶۰۸؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۱۲۴؛ پدرام، ۱۳۷۳: ۱۱۳) و این‌که

جدول ۱. ویژگی و مشخصات فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ مکرری (نگارندگان، ۱۳۹۸).

توضیحات	تصویر و طرح	ردیف
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ</p> <p>نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ با حاشیه مروراید و نقش گل. نقش پشت سکه: خورشیدی با هشت پرتو در وسط دایره با حاشیه گیاهی منحصر به فرد به هم چسپیده</p> <p>(تصویر از: رامیدی نیا، طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		۱
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ خط: نستعلیق</p> <p>نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ در داخل دایره با حاشیه مروراید. نقش پشت سکه: نقش دو پرنده آبی روبه‌روی هم در داخل دایره تزئینی با خال-های سیاه‌رنگ</p> <p>(تصویر از: محمود پدرام، طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		۲
<p>جنس: مس وزن: ۱۰/۸۶۰ گرم قطر: ۳ سانتی‌متر خط: نستعلیق ضرب: ساوجبلاغ</p> <p>نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ در داخل دایره با حاشیه مروراید تزئینی. نقش پشت سکه: نقش سگسان که صورت آن به عقب برگشته است در داخل دایره و درست در زیر آن نقش ماهی قابل مشاهده است. محل نگه‌داری: میراث شخصی محمد اکرامی</p> <p>(تصویر از: سیدمحمد صمدی، طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		۳
<p>جنس: مس خط: نستعلیق ضرب: ساوجبلاغ</p> <p>نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ با تاریخ ۱۲۴۰ در داخل دایره با حاشیه مروراید تزئینی. نقش پشت سکه: نقش شیری در میان خورشید با پرتوهای فراوان و حاشیه تزئینی ناقص مروراید</p> <p>(تصویر از: رامیدی نیا، طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		۴

<p>جنس: مس خط: نستعلیق ضرب: ساوجبلاغ با تاریخ ۱۲۴۲ نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ در داخل دایره با حاشیه تزئینی. نقش پشت سکه: نقش دو ماهی اطراف یک گل در داخل دایره‌ای. (تصویر از: رامیدی نیا، ۱۳۸۴: ۵۶؛ طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>	   	<p>۵</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ با تاریخ ۱۲۴۴ و نقش گل. نقش پشت سکه: نقش شمشه یا ستاره و خطوطی زیگزاگی به صورت افقی و عمودی در وسط آن قرار گرفته است. (تصویر از: رامیدی نیا، ۱۳۹۴: ۵۴؛ طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸)</p>	   	<p>۶</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ وزن: ۱۲/۱۴ گرم ضخامت: ۳ میلی‌متر قطر: ۲۷ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت: ضرب ساوجبلاغ که کلمه ساوجبلاغ حالت سائیدگی دارد. نقش پشت سکه: نقش طاووسی بسیار زیبا با دُمی به سمت بالا و ستاره محل نگه‌داری: موزه مردم‌شناسی مهاباد (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>	   	<p>۷</p>
<p>جنس: مس ضرب: نامشخص و احتمالاً ساوجبلاغ وزن: ۱۴/۱ گرم ضخامت: ۴ میلی‌متر قطر: ۲۴ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت ضرب و بقیه سائیده شده نقش پشت سکه: گربه‌سان یا پنجه‌های قوی و زبانی دراز. محل نگه‌داری: موزه مردم‌شناسی مهاباد (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>	   	<p>۸</p>

<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ وزن: ۷/۴۷۰ گرم ضخامت: ۳ میلی‌متر قطر: ۲۲ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: گل هشت‌پر نقش پشت سکه: ضرب ساوجبلاغ در داخل حلقه‌ای خورشید محل نگه‌داری: میراث شخصی کامران قلندری ساوجبلاغی (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۹</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ وزن: ۳/۱۸۰ گرم ضخامت: ۳ میلی‌متر قطر: ۱۶ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: ضرب ساوجبلاغ با تاریخ ۱۱۵۶ و حاشیه تزیینی مروارید نقش پشت سکه: عقابی با قرص خورشید در پشت آن و حاشیه مروارید محل نگه‌داری: میراث شخصی کامران قلندری ساوجبلاغی (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۰</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ وزن: ۲/۷۶۰ گرم ضخامت: ۲/۵ میلی‌متر قطر: ۱۷ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: ضرب ساوجبلاغ با حاشیه مروارید که سائیده شده نقش پشت سکه: نقش خورشید با خطی نازک به شکل U در وسط آن محل نگه‌داری: میراث شخصی کامران قلندری ساوجبلاغی (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۱</p>
<p>جنس: مس ضرب: نامشخص وزن: ۲/۱۷۰ گرم ضخامت: ۲ میلی‌متر قطر: ۱۵ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: به کلی سائیده شده نقش پشت سکه: نقش خورشید با خطی نازک به شکل U در وسط آن محل نگه‌داری: میراث شخصی کامران قلندری ساوجبلاغی (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۲</p>

<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ وزن: ۳/۰۹۰ گرم ضخامت: ۳ میلی‌متر قطر: ۱۵ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ که سائیده شده نقش پشت سکه: به احتمال زیاد نقش گاو یا شیر به حالت خوابیده و تاریخ که سائیده شدند محل نگه‌داری: میراث شخصی کامران قلندری ساوجبلاغی (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۳</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ وزن: ۵/۶۳ گرم ضخامت: ۳ میلی‌متر قطر: ۱۸ میلی‌متر خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ که سائیده شده نقش پشت سکه: نقش پرنده که به کلی سائیده شده محل نگه‌داری: میراث شخصی کامران قلندری ساوجبلاغی (نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۴</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ با حاشیه مروارید نقش پشت سکه: نقش شیری لمیده با دهانی باز و قرص خورشید در پشت آن (تصویر از: کامران قلندری ساوجبلاغی، طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۵</p>
<p>جنس: مس ضرب: ساوجبلاغ با تاریخ ۱۲۴۰ که سائیده شده خط: نستعلیق نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ (تصویر از: سیدعبدالله صمدی، طرح از: نگارندگان، ۱۳۹۸).</p>		<p>۱۶</p>
<p>جنس: مس خط: نستعلیق ضرب: ساوجبلاغ نقش روی سکه: عبارت ضرب ساوجبلاغ که سائیدگی دارد نقش پشت سکه: نقش دو پرنده آبی در مقابل هم در داخل دایره‌ای با حاشیه‌های تزئینی. (Poole, 1887: 240).</p>		<p>۱۷</p>

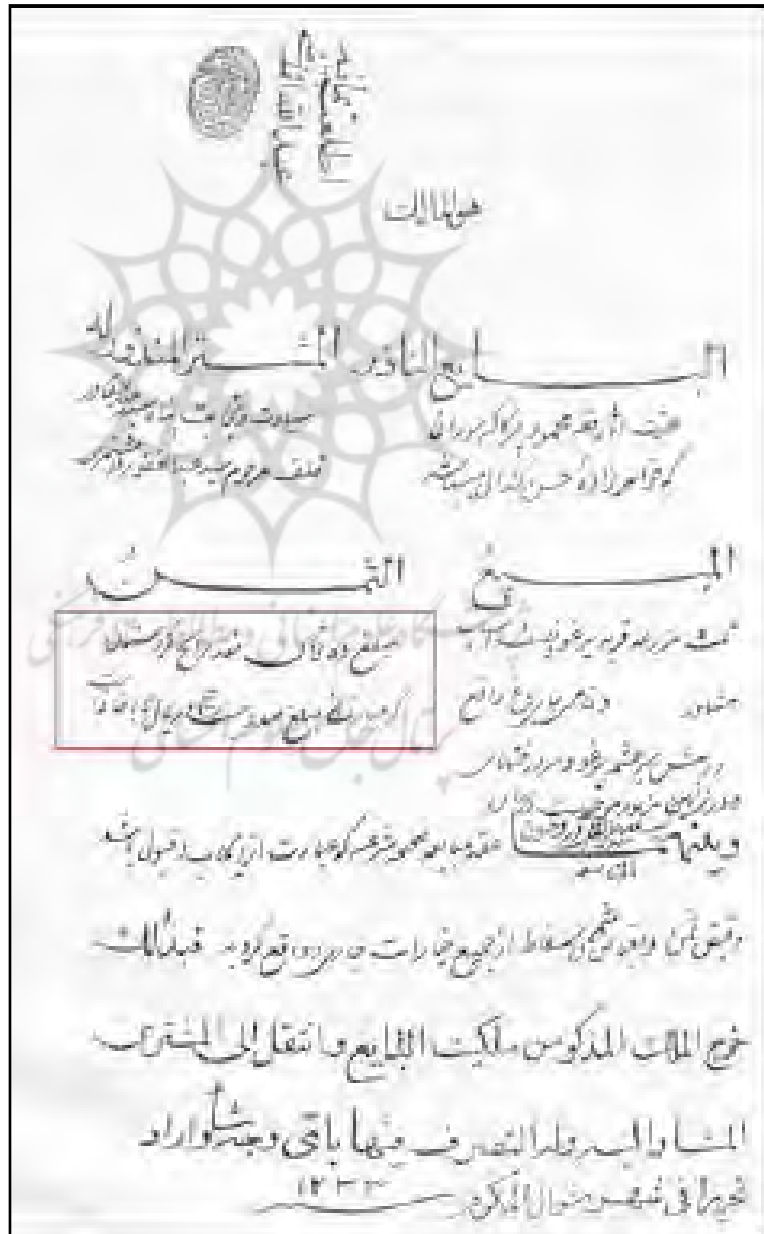
تاکنون سکه با تاریخ ۱۰۳۸ تا ۱۱۱۱ ه.ق. (به قدرت رسیدن بوداق سلطان تا زمان وفات آن) به دست نیامده است و اگر هم وجود داشته باشد، نگارندگان از آن بی اطلاع هستند. شواهد موجود نشان می‌دهد که سکه‌های موجود نمی‌توانند متعلق به این حاکم باشند؛ به علاوه سکه‌های به دست آمده، اکثراً مسی هستند و با توجه به قدرت اقتصادی محدود حاکمان ولایت مکرری ضرب سکه‌های طلا بعید به نظر می‌رسد.

حکیم‌زاده از ضرب فلوس‌های مسی توسط «موسی سلطان» بحث کرده (حکیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۲). موسی سلطان فرزند بوداق سلطان که با توجه به کتاب دستور شهریاران در زمان شاه سلطان حسین صفوی حاکم مکرری بوده است (تصویر ۱)، (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۳۴).

«رامیدی نیا» براساس ۵ نمونه سکه، از ضرب جملگی آن‌ها بین سال‌های ۱۱۴۲ تا ۱۱۵۱ ه.ق. بحث کرده (رامیدی نیا، ۱۳۸۴: ۵۷)؛ این درحالی‌ست که سکه‌های منتشرشده از سوی رامیدی نیا هیچ‌گونه تاریخی بر خود ندارند و اگر تاریخ‌های یادشده درست باشند، فلوس‌های مزبور در دوره بازمندگان صفوی و اوایل عصر افشاریه ضرب شده‌اند. رامیدی نیا سکه‌های موجود را متعلق به شیخ‌علیخان می‌داند، با توجه به کتاب عالم‌آرای نادری شیخ‌علیخان که در زمان سلطان احمد صفوی (۱۱۳۸-۱۱۴۱ ه.ق.) حکومت سوق بلاغ مکرری را داشته، مجدداً حکومت آن از طرف نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ه.ق.) به وی تفویض گشته است (تصویر ۱)، (مرروی وزیرمرو، ۱۳۶۴: ۱۴۲-۱۴۱). در میان ۸ سکه‌ای که نگارندگان به صورت مستقیم آن‌ها را مشاهده کردند، سکه‌ای با قطر ۱۶ میلی‌متر و ضخامت ۳ میلی‌متر وجود دارد که در روی آن عبارت «ضرب ساوجبلاغ» با تاریخ ۱۱۵۶ یا ۸۵۶ و در پشت سکه نقش «عقابی با خورشیدی در پشت آن» دیده می‌شود (جدول ۱، ردیف ۱۰) که با توجه به ضرب هر ساله این فلوس‌ها و احتمال به هم ریختگی نقوش روی آن‌ها و این‌که نام ساوجبلاغ برای نخستین بار از اواخر عصر صفویه در منابع نوشتاری و داده‌هایی باستان‌شناسانه ظاهر می‌شود و هم‌چنین متداول شدن ضرب فلوس از دوره صفویه، به احتمال زیاد تاریخ سکه‌ای مزبور ۱۱۵۶ و متعلق به دوره افشاریه و عهد شیخ‌علیخان والی باشد. «دقیقی» سکه موجود در موزه بریتانیا (جدول ۱، ردیف ۱۷) را ضرب ساوجبلاغ کرج می‌داند؛ درحالی‌که در جواب دقیقی باید گفت: سکه موجود در موزه بریتانیا همانند سکه‌ای است که «محمود پدram» آن را نزد آقایان «محمد طریق» و «رضا داودی» در مهاباد مشاهده و از آن عکس برداری کرده و در کتابی تحت عنوان تمدن مهاباد آورده است (پدram، ۱۳۷۳: ۳۳)، (جدول ۱، ردیف ۲).

در میان فلوس‌های ساوجبلاغ، سکه‌هایی به تاریخ ضرب ۱۲۴۰، ۱۲۴۲ و ۱۲۴۴ ه.ق. قابل مشاهده است (جدول ۱، ردیف‌های ۴، ۵، ۶ و ۱۶). در زمان حکومت علیمردان خان زندیه تا محمدشاه قاجار، دو حاکم مقتدر به نام‌های بوداقخان و عبدالله‌خان در ساوجبلاغ حکومت را در دست داشته‌اند (تصویر ۱). بنا به نوشته تاریخ افشار بوداقخان در دوره‌های افشاریه در زمان علیمردان خان، جعفرخان زند، آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه قاجار حکومت ساوجبلاغ مکرری را داشته است (ادیب‌الشعرا، ۱۳۴۵: ۱۹۱، ۲۲۶، ۲۵۹ و ۲۸۶)؛ ایشان در ادامه می‌نویسد: «بوداق خان حاکم ساوجبلاغ مکرری با هزاران سوارکار نیزه‌دار پرچم به دست به صورت بسیار باشکوه به اردوی محمد قلیخان و بیگلربیگی افشار در خوی وارد شد که تمام خوانین آذربایجان از مهابت بوداق خان متزلزل و هراسان شده، نزدیک بود زهره چاک کنند و در خفیه با همدیگر مواضع کردند که به هر حیلتی اعتقاد محمدقلیخان را از بوداق خان که اسباب استبداد اوست، سلب نمایند. در نتیجه، بیگلربیگی افشار حاکم ارومیه، در سال ۱۲۰۳ ه.ق. در قلعه باراندوز هردو چشم بوداق خان را از حلقه بیرون کشید» (همان، ۲۴۱-۲۳۹). نیکیتین نوشته است که: «در میان رؤسای مکرری، بوداق خان به پاس شهرتی که به عدل و داد داشت، او را «انوشیروان ثانی» نامیده‌اند. بوداقخان در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ م. در حیات بوده، در آغاز از خانواده گُرد زندیه که از میان آن‌ها کریم‌خان شاه شده

بود، پشتیبانی کرد، اما سرانجام مغلوب قجرها گردید، بعداً دست اتحاد به قاجاریه داد و در زمان فتحعلی شاه رسماً به عنوان امیر مُکریان شناخته شد. بوداق خان دو بار در لشکرکشی‌های تنبیهی علیه عشیرت بلباس شرکت جست و در این عملیات با نیروهای دولتی از طرف عباس میرزا ولیعهد و حکمران کل آذربایجان همکاری کرد» (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۳۵۷). در شهر مهاباد در زمان فتحعلی شاه (۱۲۳۳ ه.ق.) مصادف با حکومت بوداقخان سند^۳ فروش روستایی به نام «یرغو» به دست آمده است که در حال حاضر اثری از روستای یادشده نیست؛ اما احتمالاً در ضلع شمال شرقی مهاباد قرار داشته که اکنون رودخانه و پلی به همین نام، یادگار روستای یادشده است (صمدی، ۱۳۹۲: ۴۸). در سند مزبور چنین آمده است: «ارزش پولی مورد معامله ۱۰ تومان نقد رایج کردستان برابر با ۱۲۵ ریال باباخانی» (تصویر ۳). این امر نشانگر این موضوع است که در شهر مهاباد آن زمان غیر از پول رسمی کشور، پول دیگری در حوزه حکومت محلی ضرب و با آن دادوستد انجام می‌شده است.



تصویر ۳. سند فروش قریه یرغو (صمدی، ۱۳۹۲: ۴۸).

بعد از بوداق خان، عبدالله خان مَکری، فرزند ایشان زمامداری امارت مَکری را برعهده گرفت. بنا بر سندی که در کتابخانه‌ای در برلین آلمان محفوظ است و در محرم سال ۱۲۵۸ ه.ق. به وسیله «میرزا اسماعیل» به رشته تحریر درآمده است، نوشته شده: «عبدالله خان در زمان محمدشاه قاجار در جنگ هرات شرکت داشته و مورد توجه محمدشاه قرار گرفته است». با توجه به سند یادشده «عبدالرحمن بیگ» فرستاده عبدالله خان به دربار محمدشاه قاجار و دیوان صدارت «حاجی میرزا آقاسی» بوده، به علاوه منشی مزبور نوشته «عبدالله خان مَکری با اهل فضل و دانش سروکار داشته و به تاریخ و کتابت علاقمند بوده است» (فتاحی قاضی، ۱۳۷۱: ۲۰۹-۱۹۴). با توجه به مضمون یکی از سنگ قبرهای آرامگاه بوداق سلطان با عنوان «هذا مرقد المرحوم المغفور عبدالله خان ابن المرحوم بوداغ خان - المکری - سنه ۱۲۶۲»، عبدالله خان به تاریخ ۱۲۶۲ ه.ق. وفات و در آرامگاه یادشده به خاک سپرده شد (فتاحی قاضی، ۱۳۵۶: ۴۳۰-۴۰۸؛ پدرام، ۱۳۷۳: ۱۱۵-۱۱۳).

عوامل طبیعی و محیطی همچون پوشش جنگلی بلوط و مازو بین نواحی بانه و سردشت، محصول توتون به عنوان مهم‌ترین اقلام کشاورزی منطقه و تهیه پشم و پوست از دامداری عشایر اطراف مَکریان بازار ساوجبلاغ را به کانون تأمین‌کننده مواد اولیه بازارهای درخواستی مناطق هم‌جوار و به خصوص روسیه تبدیل کرد (دمورگان، ۱۳۳۹: ۴۷؛ اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴). منابع نوشتاری نشان می‌دهد که از دوره بوداق سلطان منطقه کزدستان مَکری به سبب منابع نمک دریاچه ارومیه، مورد توجه ولایت‌های اطراف و حتی خارج از ایران بوده است (نصیری، ۱۳۷۳: ۱۲۸-۱۲۷). بازار ساوجبلاغ با ادامه حیات در ادوار افشاریه و زندیه به تدریج در عصر قاجاریه به دلیل ارتباط تجاری و فرمانطقه‌ای با امپراتوری عثمانی، روسیه، اروپا، دیگر نقاط ایران و نیز واقع شدن روی جاده بغداد- تبریز به قطب اقتصادی منطقه (فلاندن، ۱۳۲۶: ۴۴۴؛ مینورسکی، ۲۰۰۷: ۹۵؛ Rawlinson, 1840) و به عنوان مهم‌ترین مرکز تجاری شمال غرب ایران با شهرهای مسکو، تفلیس، باکو، موصل، برلین و... تبدیل گشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۷۶۳). «قیصریه» یا به اصطلاح محلی «گوزره» در مساحت وسیعی به صورت طاق و گنبد احداث شده بود که در آن کاروانسراهای بزرگ و کوچک، تیمچه‌ها، راسته‌های تعریف شده هم‌چون: آهنگران، مسگرها، پارچه‌فروشی‌ها و... در مقیاس نه‌چندان بزرگ ولی در عین حال کامل، هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌داد (کریمیان و سلیمی، ۱۳۹۷: ۷۶-۹۸) و در آن، اقشار مختلفی از: کردها، یهودیان، تجار تبریزی، همدانی و موصلی، عرب، کلدانی و ژاکوبیت‌ها به تجارت و کسب‌وکار مشغول بودند (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۱۴). با حضور روس‌ها در شمال غرب ایران و به خصوص ساوجبلاغ تجارت در بازار آن شکل گسترده و ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت؛ بدین صورت که در سال ۱۲۹۷ ه.ق. (۱۸۸۰ م.) روس‌ها «شرکت تجاری-بانکی ساوجبلاغ» را تأسیس کردند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۶) و ساوجبلاغ را به مرکز اقتصادی قفقاز با ایران تبدیل کردند (لازاریف، ۱۹۸۹: ۷۰)؛ به علاوه، وجود کنسولگری‌های عثمانی، روسیه و آمریکا (صمدی، ۱۳۷۳: ۱۳۷) باعث اعتلای ثروت و رفاه اقتصادی مردم ساوجبلاغ و ضرب فلوس‌های مسی توسط حاکمان بومی گردید.

تحلیل نقوش

علاوه بر موارد مطرح شده، نقش مایه روی فلوس‌ها و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های عصر صفوی و قاجاریه از دیگر مؤلفه‌هایی است که می‌توان فلوس‌های ساوجبلاغ مَکری را تاریخ‌گذاری کرد. این درحالی‌ست که نقوش مزبور را باید در خود منطقه مورد مطالعه جست‌وجو کرد. نقوش موجود بر روی فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ مَکری در تزئینات معماری منطقه مهاباد و دیگر مناطق گردنشین قابل مشاهده است. در دوره قاجاریه در معماری شهر مهاباد همانند دیگر نواحی کشور استفاده از تزئینات شیر و خورشید متداول بوده (کامران قلندری ساوجبلاغی، ۱۳۹۸: مصاحبه شخصی). نقش

طاووس در اکثر نقاط گُردستان و اکنون نیز در میان گُردهای ایزدی به‌عنوان رهبر فرشتگان از تقدس زیادی برخوردار است (Toth, 2006). نقش ماهی روی سنگ‌قبرهای روستای کانی‌گل بوکان و حتی منسوجات مَکریان قابل مشاهده است. نقش پرنندگان آبی به دلیل وجود رودخانه مه‌باد و تالاب‌های متعدد از جمله کانی‌برازان بر روی فلوس‌ها دیده می‌شود. کبک از دیگر نقش‌های ماهی‌ها است که از گذشته‌های دور تاکنون، شکار و نگه‌داری آن به صورت خانگی هم معمول بوده و نقش آن بر روی فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ دیده شده است (سیدعبدالله صمدی، ۱۳۹۸: مصاحبه شخصی). نقش ماهی، طاووس و شیر موجود بر روی فلوس‌های ساوجبلاغ همانند نمونه‌های موجود بر روی مَهرها و فلوس‌های صفویه و قاجاریه است (علاءالدینی، ۱۳۹۱: ۱۵۶؛ Poole, 1887: 479-481)، (جدول ۲، ردیف ۱ تا ۵).

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت که باتوجه به پراکندگی فلوس‌ها، محدود بودن تاریخ ضرب و هم‌چنین سائیدگی روی سکه‌ها، نمی‌توان به‌طور دقیق درمورد آن‌ها نتیجه‌گیری کرد؛ اما آن‌چنان‌که از نظر گذرانده شد، به احتمال زیاد در دوره بازماندگان صفویه و اوایل عصر افشاریه تا اواسط قاجاریه، حاکمان ولایت مَکریان از جمله شیخ‌علی‌خان، بوداق‌خان و عبدالله‌خان اقدام به ضرب فلوس در ساوجبلاغ کرده‌اند. در میان سکه‌های مورد مطالعه تاریخ ضرب ۱۱۵۶، ۱۲۴۰، ۱۲۴۲ و ۱۲۴۴ هـ.ق. دیده می‌شود. در سال ۱۱۳۸ تا ۱۱۶۰ هـ.ق. علینقی‌خان مَکری (شیخ‌علی‌خان) در ساوجبلاغ مَکری و در زمان سلطان احمد صفوی (۱۱۳۸-۱۱۴۱ هـ.ق.) و نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ هـ.ق.) حکومت را در دست داشته است؛ به‌علاوه، منابع نوشتاری دوره افشاریه نیز اشاره به اهمیت ساوجبلاغ در دوره مزبور کرده‌اند. تاریخ ضرب ۱۲۴۰، ۱۲۴۲ و ۱۲۴۴ هـ.ق. نشان‌دهنده ضرب سکه‌های مزبور در عصر قاجاریه در زمان حکومت فتح‌علی‌شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ هـ.ق.) بر ایران و زمامداری بوداق‌خان بر ساوجبلاغ مَکری دارند؛ به‌علاوه، منابع نوشتاری به تاریخ ۱۲۳۳ هـ.ق. هم‌زمان با دوره مزبور اشاره به وجود پولی محلی در منطقه مَکریان در عصر فتح‌علی‌شاه و قدرت زیاد بوداق‌خان دارند. فلوس‌های یادشده همانند دیگر فلوس‌های صفویه و قاجاریه دارای نقوش گیاهی، حیوانی، هندسی و متن آن‌ها نشان‌دهنده محل ضرب آن‌ها است. با توجه به پارگی و ایجاد مجدد نقش روی فلوس‌های ساوجبلاغ به احتمال زیاد آن‌چنان‌که در دیگر نواحی ایران معمول بود، فلوس‌های مزبور هر ساله مجدداً ضرب می‌شدند. این‌که فلوس‌های یادشده متعلق به ضرابخانه ساوجبلاغ کرج باشند، منتفی است؛ چراکه اهالی مه‌باد و حتی نگارندگان (فلوس قبرستان یهودیان) این سکه‌ها را در خود محل و مناطق اطراف مه‌باد یافته‌اند که تعلق آن‌ها را به ضرابخانه ساوجبلاغ مَکری به تأیید می‌رسانند. اما براساس سکه‌های که در ساوجبلاغ به دست آمده‌اند، می‌توان پذیرفت که «ضرابخانه» یکی از مهم‌ترین فضاهای حکومتی شهر را تشکیل می‌داده است. امروزه از مکان و خصوصیات بنای ضرابخانه اطلاعات چندانی نیست، اما با توجه به اهمیت آن به احتمال زیاد در کنار دارالحکومه و یا سربازخانه (قشله) شهر قرار داشت. شهر در دوره قاجاریه به اوج شکوفایی خود رسید؛ بدین‌صورت‌که بازاری پویا با کاروانسراهای متعدد در سطح شهر، واقع‌شدن بر روی شاهراه بغداد-تبریز و حضور اقشار مختلف از جمله: یهودیان، ژاکوبیت‌ها، ارمنیان، آشوریان و کلدانیان، باعث رفاه اقتصادی ساکنان شهر و درنهایت ساوجبلاغ مَکری به بارزترین مرکز تجاری شمال غرب ایران با نواحی داخلی ایران، قفقاز، آناتولی، شمال عراق، سوریه و حتی کشورهای اروپایی بدل گردید. شرایط مناسب اقتصادی موجب قدرت سیاسی و نظامی حاکمان آن شده و تا جایی پیش رفت که همانند دیگر ولایات ایران اقدام به ضرب سکه‌های فلوس کردند.

جدول ۲. تطبیق فلوس‌های ساوجبلاغ مَکری با آثار فرهنگی منطقه مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	فلوس ساوجبلاغ مَکری	عنصر تزئینی قابل مقایسه	تصویر	مأخذ
۱		نقش ماهی بر روی سنگ قبرهای کانی‌گل (ارمنی‌بلاغی) بوکان		سلیمی و صلح‌جو، ۵۱:۱۳۹۸
۲		نقش ماهی بر روی کُلا کُردی منطقه مَکریان		سه‌مه‌دی، ۳۵:۱۹۹۷
۳		پرنده چنگر در رودخانه مهاباد و تالاب کانی‌برازان		بایگانی اداره محیط‌زیست شهرستان مهاباد
۴		شیرلمیده یا قرص خورشید در پشت آن		Poole, 1887:471
۵		نقش ملکه طاووس در معابد کُردهای ایزدی		گه‌رمه‌لی، ۲۴۸:۲۰۰۶

پی‌نوشت

۱. از این ۱۷ نمونه، یک نمونه در موزه بریتانیا، دو نمونه در موزه مردم‌شناسی مهاباد، یک نمونه نزد آقای سیدعبدالله صمدی، یک نمونه نزد محمد اکرامی، یک نمونه نزد آقای محمود پدرام، چهار نمونه نزد رامیدی‌نیا و هفت نمونه نیز نزد آقای کامران قلندری ساوجبلاغی، نگه‌داری می‌شوند که نگارندگان موفق به مشاهده مستقیم ۸ نمونه از آن‌ها (دو نمونه موزه مردم‌شناسی مهاباد و شش نمونه نزد آقای کامران قلندری ساوجبلاغی) شدند. به احتمال زیاد سکه‌های دیگری نیز هستند که

هنوز در دست مردم مهاباد و یا این‌که در موزه‌های خصوصی و دولتی نگه‌داری می‌شوند که نگارندگان از وجود آن‌ها بی‌خبر هستند.

۲. بسیاری از سیاحان، جهانگردان و مستشرقان لرها را طایفه‌ای از کردها ذکر کرده‌اند.
 ۳. متن سند فروش قریهٔ یرغو چنین است: «هوالمالک اطلمت بمافیه عبدالله القاضی مُهر: ادرکنی یا عبدالله/ البایع الناذر عزت آثار فقه محمود پسر کاکه-سوراغا که خواهرزادهٔ حسن کندال می‌باشد/ المشترا المنذوره/ سیادت و نجات پناه سیدعبدالقادر خلف مرحوم سیدعبدالعفور داش تمری/ المبیع ثلث مزرعه قریه یرغو و نصف آسیاب مشهور و تمامی جای باغ واقع در پیش سرچشمه یرغو و سردخت‌هایی که در زمین مزبور موجود است در میان سیدعبدالقادر و حسین مشترک است بالمنصفه/ الثمن مبلغ ده تومان نقد رایج کردستان که عبارت از مبلغ صد و بیست و پنج ریال باباخانی است/ و بینهما عقد میابعه صحیحه شرعیه که عبارت از ایجاب و قبول باشد و قبض ثمن و اقباض مثنی و اسقاط از جمیع خیارات جاری و واقع گردید. فیذالک خرج الملک المذكور من ملکیت البایع و انتقل الی المشتري المشاریله وله التصرف فیها بای وجه شأ و اراد. تحریراً فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۳۳» (صمدی، ۱۳۹۲: ۴۸).

سپاسگزاری

نگارندگان این مقاله را تقدیم به آقای کامران قلندری ساوجبلاغی می‌کنند، و در ادامه از دوستان گرانقدر آقایان ساکار ابراهیمی، معصومه (هه‌لاله) بایزیدی، سیدعبدالله و سیدمحمد صمدی به سبب قرار دادن اطلاعاتی در ارتباط با موضوع مورد مطالعه صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

کتابنامه

- اعتمادالسلطنه، (۱۳۷۹). روزنامهٔ خاطرات اعتمادالسلطنه. به‌کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات امیر کبیر. چاپ پنجم.
- ادیب‌الشعرا، میرزا رشید، (۱۳۴۵). تاریخ افشار بانضمام تاریخ قیام شیخ عبیدالله. به‌کوشش: محمود رامیان و پرویز شهریار افشار، تبریز: شفق تبریز.
- اوبن، اوژن، (۱۳۶۲). ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶. ترجمهٔ علی‌اصغر سعیدی، تهران: نشر کتاب‌فروشی زوآر.
- افخمی، ابراهیم، (۱۳۶۴). تاریخ فرهنگ و ادب مَکریان (بوکان). سقز: محمدی.
- افخمی، ابراهیم، (۱۳۷۳). تاریخ فرهنگ و ادب مَکریان (مهاباد، سردشت و اشنویه). سقز: محمدی، جلد دوم.
- اولتاریوس، آدام، (۱۳۸۵). سفرنامهٔ آدام اولتاریوس. ترجمهٔ احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- باباطاهری، حسن، (۱۳۵۱). مهاباد دیروز و امروز. مهاباد: شهرداری مهاباد.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین، (۱۸۶۰). شرفنامه. به‌کوشش: محمد علی‌عونی و فرج‌الله ذکی‌الکردی، مصر.
- بدلیسی، میرشهره‌ف‌خانی، (۲۰۰۹). شهره‌ف‌نامه. وه‌رگیر ماموستا هه‌ژار، تاران: پانیز.
- پاشایی، ژیلدا؛ و جباری، صداقت، (۱۳۹۱). «ظهور نقوش انسانی در مهرهای دورهٔ قاجار با تأثیرپذیری مهرها از سکه‌ها و مدال‌های آن دوره». گنجینهٔ اسناد، سال ۲۲، دفتر ۴، صص: ۷۸-۱۰۷.
- پدرام، محمود، (۱۳۷۳). تمدن مهاباد (مجموعهٔ آثار باستانی از قلعهٔ دم‌دم تا تخت سلیمان). تهران: هور.
- حکیم‌زاده، فریدون، (۱۳۸۹). ساوجبلاغ مکرری (مهاباد در آیین اسناد تاریخی). مهاباد: مرکز نشر فرهنگی هیوا.
- خضری، سعید، (۱۳۸۸). «جغرافیای تاریخی مکرران در چهار سدهٔ اخیر». فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی، شمارهٔ ۹۲، صص: ۱۶۶-۱۲۹.
- دمورگان، ژاک، (۱۳۳۹). جغرافیای غرب ایران. ترجمهٔ کاظم ودیعی، تبریز: شفق تبریز.
- دقیقی، محمدقلی، (۱۳۸۳). «تاریخچهٔ ضرب سکه در آذربایجان غربی»، تهران: همایش دوم ایران‌شناسی (اقتصاد ایران).

- رامیدی نیا، مهرداد، (۱۳۸۴). «سکه‌های ضرب ساوجبلاغ مکری». ماهنامه مه‌آباد، سال ۵، شماره ۵۰، صص: ۵۹-۵۶.
- رامیدی نیا، مهرداد، (۱۳۹۴). «فلوس‌های ضرب ساوجبلاغ مکری». ماهنامه مه‌آباد. سال ۱۵، شماره ۱۷۸، ص: ۵۴.
- رحیم‌لو، یوسف، (۱۳۷۱). القاب و مواجب سلاطین دوره صفویه. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- روحانی، بابامردوخ، (۱۳۸۲). تاریخ مشاهیر گرد (أمرآ و خاندان‌ها. به‌کوشش: محمدماجد مردوخ روحانی، تهران: سروش. چاپ دوم.
- روژبیانی، محمدجمیل، (۱۳۸۱). فرمانروایی مَکریان در گُردستان (از دوران باستان تا عصر حاضر). ترجمه شهباز محسنی، تهران: آنا.
- ریاحی، محمدمین، (۱۳۷۲). تاریخ خوی. تهران: توس.
- رهبرین، کلاوس میثائیل، (۱۳۴۹). نظام ایالات در دوره صفویه. ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سرفراز علی‌اکبر؛ و آورزمانی، فریدون (۱۳۸۸). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. تهران: سمت، چاپ هفتم.
- سلیمی، اسماعیل، (۱۳۹۶). «روند شکل‌یابی و توسعه شهر مه‌آباد با اتکاء بر داده‌های باستان‌شناسانه». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- سلیمی، اسماعیل؛ و صلح‌جو، جمیله، (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و مطالعه آرایه سنگ قبرهای کانی‌گل (ارمنی‌بلاغ) بوکان». هفتمین همایش بین‌المللی باستان‌شناسان جوان ایران و سرزمین‌های هم‌جوار، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (منتشر نشده).
- سه‌مهدی، عه‌بدولا، (۱۹۹۷). وینه‌کانی کلاوی کوردی. سوید: له بلاوکراوه‌کانی فره‌ه‌نگیی سوید- کوردستان، چاپی یه‌که‌م.
- صمدی، سیدمحمد، (۱۳۷۳). تاریخ مه‌آباد. مه‌آباد: ره‌رو.
- صمدی، سیدمحمد، (۱۳۹۲). «سند فروش قریه‌ی یرغو». ماهنامه مه‌آباد. سال ۱۳، شماره ۱۵۴، ص: ۴۹.
- ضیایی، شیخ‌رئوف، (۱۳۶۳). یادداشت‌های از گُردستان. به‌کوشش عمر فاروقی، سقز: صلاح‌الدین ایوبی.
- علاء‌الدینی، بهرام، (۱۳۹۱). سکه‌های مسی ایران فلوس‌های دوره‌های صفوی تا قاجار. تهران: یساولی.
- عبدلی، محمد، (۱۳۹۴). «متن فرمان انتصاب بوداق سلطان مکری و معرفی یکی از وزرای او». فصلنامه علمی اسناد و نسخه‌های خطی مناطق گُردنشین. سال ۱، شماره ۲، صص: ۱۱۳-۱۰۳.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲). تاریخ اقتصاد ایران (عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق.). ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.
- غزالی، محمدبن محمد، (۱۳۸۶)، احیاء علوم‌الدین (ربع چهارم، ربع منجیات). ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به‌کوشش: حسین خدیوچیم، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ پنجم.
- غوریانس، اسکندر، (۱۳۵۶). قیام شیخ عبیدالله شمزینی در عهد ناصرالدین شاه. به‌کوشش: عبدالله مردوخ کردستانی، تهران: دانش.
- فتاحی قاضی، خلیل، (۱۳۵۶). «عبدالله خان مکری». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۲۳، صص: ۴۳۰-۴۰۸.
- فتاحی قاضی، خلیل، (۱۳۷۱). «یک سند تاریخی درباره عبدالله خان مکری». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۴۵-۱۴۴، صص: ۲۳۰-۱۹۴.

- فلسفی، نصرالله، (۱۳۵۳). زندگانی شاه‌عباس اول. تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- فلاندن، اوژن، (۱۳۲۶). سفرنامه اوژن فلاندن به ایران. ترجمه حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی، چاپ سوم.
- قائینی، فرزانه، (۱۳۷۵). «سکه‌شناسی دوره صفویه (براساس اوضاع مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و نظامی دوره صفویه)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشرنشده).
- کرزن، جرج. ن.، (۱۳۴۷). ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریمیان، حسن؛ و سلیمی، اسماعیل (۱۳۹۷). «بازار ساوجبلاغ مکر، کانون تجاری عصر قاجاریه در شمال غرب ایران». فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی، شماره ۱۰، سال ۴، صص: ۷۶-۹۸.
- کریمیان، حسن؛ و سلیمی، اسماعیل (۱۳۹۸). مهاباد؛ شکل یابی، توسعه فضاهای شهری و بناهای تاریخی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- کوچرا، کریس، (۱۳۷۷). جنبش ملی گرد. ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: نگاه، چاپ دوم.
- که‌بخوسره‌وی، عه‌زیز، (۱۳۷۵). «هوزی فه‌یزولابه‌گی و پیوه‌ندایه‌تی له‌گه‌ل حوکمرانانی بابان و موکریان». گوفاری ئوینه، تاران، سال ۵، شماره ۱۸-۱۷، صص: ۴۸-۴۴.
- گه‌رمه‌لی، ئه‌نستانس ماری، (۲۰۰۶). ئیزیدییه‌کان (جیلوه و مه‌سحه‌فاره‌ش) و بیبلیوگرافیای ئیزیدیاتی. وه‌رگیرانی عه‌بدوللا نه‌جاتی، سلیمانی: بنکه‌ی ژین،
- لاکهارت، لارنس، (۱۳۴۴). انقراض سلسله صفویه. ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لازاریف، (۱۹۸۹). کیشه‌کورد، وه‌رگیرانی کاووسی قه‌فقان. به‌غدا: بلاوکردنه‌وه‌ی مطبعه الحافظ، به‌رگی هه‌وه‌ل.
- لیتن، ویلهلم. (۱۳۶۸). خاطرات ویلهلم لیتن. ترجمه پرویز صدری، تهران: ایرانشهر.
- محمودی، فرج‌الله، (۱۳۷۵). جغرافیای ایران. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- مروی وزیرمرو، محمدکاظم، (۱۳۶۴). عالم‌آرای نادری. ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: زوار، جلد اول و سوم.
- مقصودی، مهران؛ برزکار، محسن؛ عباسی، موسی؛ و مرادی، انور (۱۳۹۳). «ارزیابی توانمندی‌های ژئوتوریسمی ژئومورفوسایت‌های شهرستان مهاباد». فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال ۸، شماره ۲۵، صص: ۱۰۷-۸۱.
- مؤمنی، محسن، (۱۳۸۳). «نقد و بررسی (نخستین تاریخ فتوحات اسلامی در گوردستان)». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مهر ۱۳۸۳، شماره ۸۴، صص: ۵۷-۵۴.
- مینورسکی، فلاذیمر، (۲۰۰۷). بنچینه‌کانی کورد و چه‌ند و تاریکی کوردناسی، وه‌رگیرانی نه‌جاتی عه‌بدوللا. سلیمانیه: بلاوکراره‌ی مه‌کتبی بیرو هوشیاری، به‌رگی هه‌وه‌ل، چاپی یه‌که‌ام.
- نادر میرزا، شاهزاده، (۱۳۶۰). تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز. به‌کوشش: محمد مشیری، تهران: اقبال.
- نصیری، محمد ابراهیم زین‌العابدین، (۱۳۷۳). دستور شه‌ریاران. به‌کوشش: محمدنادر نصیری مقدم تهران: موقوفات دکتر محمود افشاریزدی.
- نوحه‌خوان، حامد، (۱۳۹۱). «معیارهای تقسیمات کشوری در دوره پهلوی». خرد نامه، سال ۴، شماره ۹، ص: ۱۱۸.
- نیکیتین، واسیلی (۱۳۶۶). گرد و گردستان. ترجمه محمد قاضی، تهران: نیلوفر. چاپ دوم.
- نیکیتین، واسیلی، (۱۳۲۹). ایرانی که من شناخته‌ام. ترجمه و نگارش: فره‌وشی. با مقدمه: ملک‌الشعراء بهار، تهران: معرفت.

- واقدی، محمدبن عمر، (۱۳۷۴). فتوح سواد العراق. ترجمه عبدالعزیز واعظی سردشتی، با مقدمه، تصحیح و تعلیقات: نادر کریمیان سردشتی، تهران: م. واعظی.
- وان برونسن، مارتین، (۱۳۸۱). سرگذشت شورش سمکو قبایل گرد و دولت ایران. ترجمه محمد صمدی، مهاباد: رهرو.
- یوسفی، عثمان؛ و خلیلی، سیامند، (۱۳۹۵). «بررسی نقش بوداق سلطان موکری (۱۰۱۱-۱۰۱۷ ق.) در تاریخ ولایت موکری در دوره پایانی صفویه». پژوهشنامه تاریخ های محلی ایران، سال ۵، شماره ۱، صص: ۲۳۸-۲۱۳.
- ئوسکارمان، (۱۹۷۵). تحفه مظفریه به زمانی کوردی موکری. ساخکرنده وهی هیمن موکریانی، کوری زانیاری کورد، به غدا.
- نه حمه دیان، عه بدولا، (۱۳۷۶). «بداغ سولتان، مه لاجامی». گوفاری سروه، شماره ۱۴، ص: ۴۱.

- Bishop, I., (1891). *Journeys in Persia and Kurdistan*. Vol. II. London.
- Ker Porter, S. R., (1822). *Travels in Georgia, Persia, Armenia, Ancient Babylonia*. Vol. I, London.
- Poole, R. S., (1887). *The Coins of the Shahs of Persia, Safavis, Efsharis, Zands and Kajars*. London.
- Rawlinson. H. C., (1840). "Notes on Journey from Tabriz, through Persian Kurdistan, to the Ruins of Takhti- Soleiman, and fram Thence by Zenjan and Tarom, to Gilan, in October and November, 1838". *With a Memoir on the Site of the Atropatenian Ecbatana*. *Journal of the Royal Geographical Society of London*, Vol. 10. Pp: 1- 64.
- Soucek, P., (2001). "Coinage of Qajar: A System in Continual Transition". *Iranian Studies*, 34 (1/4), *Qajar Art and Society*. Pp: 51-87.
- Toth, (2006). *leaves of wisdom*. Reviwed from www.book-of-Toth.com/the book/index.php/Yazidi.